



اهمیت دعای خیر والدین در حق فرزندان

در این مقاله به اهمیت دعای خیر پدر و مادر در حق فرزند از منظر روایات پی می برید.



فرزندی که والدین در حق او دعای خیر می کنند

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به این مضمون فرمود: دعای سه گروه- بدون شک- مستجاب می گردد: دعای [مظلوم](#)، و دعای مسافر، و دعای پدر برای فرزند خود[۱].

امام صادق علیه السلام به این مضمون فرمود:

دعاهایی وجود دارد که بین آنها و خدای عزّ وجلّ حائل و حجابی نیست

- از جمله آن دعاها-: ..

دعای پدر در حق فرزند- هنگامی که به او نیکی می کند-

و دعای پدر علیه فرزند- هنگامی که او را عاق می کند-[۲].

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به این مضمون فرمود: چهار گروه هستند که دعای آنها مستجاب می گردد.

و دربهای آسمان در برابر آن دعاها گشوده می شود.

و آن دعاها تا عرش الهی بالا می رود:

دعای نیک پدر در حق فرزند خود.

و دعای مظلوم علیه ظالم خود.

و دعای شخصی که به عمره رفته است- تا وقتی که برمی گردد-

و دعای روزه دار- تا هنگامی که افطار می کند-[۳].

امام صادق علیه السلام به این مضمون فرمود: چهار گروه هستند که دعای آنها مستجاب می گردد:

پیشوای عادل که در حق پیروان خود دعا می کند.

و برادری که در حق برادر خود- در غیاب او- دعا می کند.

در این هنگام خداوند عزّ و جلّ فرشته ای را می گمارد.

و آن فرشته خطاب به او می گوید: همان دعایی را که برای برادر خود خواستی.



به تو نیز داده می شود.

و دعای پدر در حق فرزند خود.

و دعای مظلوم.

زیرا خدای متعال می گوید: به عزت و جلالم سوگند که انتقام تو را از ظالم خواهم گرفت- اگر چه پس از گذشت مدت زمانی باشد-[۴].

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به این مضمون فرمود: چهار دعا وجود دارد که بین آنها و خدای عز و جلّ حائل و حاجبی نیست:

دعای پدر در حق فرزند خود.

و دعای برادر در حق برادر خود- در غیاب او-

و دعای مظلوم.

و دعای شخص با اخلاص [۵].

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به این مضمون فرمود: چهار گروه هستند که دعای آنها مستجاب می گردد:

پیشوای دادگری که برای پیروان خود دعا می کند.

و پدر نیکوکاری که در حق فرزند خود دعا می کند.

و فرزند نیکوکاری که در حق پدر خود دعا می کند.

و مظلوم.

زیرا خدای عز و جلّ می گوید: به عزت و جلالم سوگند که تو را کمک و یاری خواهم نمود- اگر چه پس از گذشت مدت زمانی باشد-[۶].

امام باقر علیه السلام فرمود: دعای پنج گروه است که بین آنها و خدای عز و جلّ حائل و حاجبی نیست:

دعای پیشوای دادگر.

و دعای مظلوم.

خدای عز و جلّ می گوید: انتقام تو را از ظالم خواهم گرفت- اگر چه مدتی به طول بیانجامد-

و دعای فرزند شایسته در حق والدین خود.

و دعای پدر شایسته در حق فرزند خود.

و دعای مؤمن برای برادر مؤمن خود- در غیاب او-

به او گفته می شود: برای تو نیز چنین خواهد بود[۷].

امام صادق علیه السلام فرمود: شش گروه هستند که بین دعای آنها و خداوند حائل و حاجبی نیست:

پیشوای دادگر.

و دعای پدر نیکوکار در حق فرزند خود.

و دعای فرزند شایسته در حق پدر خود.

و دعای مؤمن در حق مؤمن- در غیاب او-

و دعای مظلوم.

زیرا خدای عز و جلّ می فرماید: انتقام تو را از ظالم خواهم گرفت- اگر چه بعد از گذشت مدت زمانی باشد-

و دعای فقیر در حق شخصی که به او کمک کرده است- اگر مؤمن باشد-[۸].

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: دعای پدر در حق فرزند خود. مانند دعای پیغمبر در حق امت خود می باشد[۹].

شخصی بنام ابن الاشجعی می گوید: من در دست دشمنان اسیر شده بودم.

و- در ایام اسارت- هر روز برای آنها شترچرانی می کردم.

روزی از روزها در حالی که مشغول چراندن شتران بودم متوجه شدم که از آن دشمنان دور شده ام. و آنها به من توجهی ندارند.

در این هنگام من فرصت را غنیمت شمرده و از غفلت دشمن استفاده کردم و سوار شتری شدم و از دست آنها گریختم.

و در حالی که سوار بر یک شتر شده و از آنجا دور می شدم. بقیه شتران- که تعداد آنها صد شتر بود- نیز به دنبال شتری که سوار آن بودم. روانه شدند. و پشت سر آن راه افتادند.

و بدین ترتیب از دست دشمنان نجات یافتم.



و هنگامی که به نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسیدم. ایشان به من فرمود:

تمام این شتران. مال تو می باشد.

و خدای متعال بخاطر دعایی که پدرت در حق تو نموده است. این شتران را به تو عطا نموده است [۱۰]

ابو حمزه می گوید: روزی دخترم از جای بلندی افتاد و به همین خاطر دست او شکسته شد.

او را نزد شکسته بند بردم تا دست او را ببیند.

شکسته بند گفت: دست او شکسته شده است و باید دست را گچ گرفت.

و به داخل اتاق خود رفت تا وسایل شکسته بندی را بیاورد. و من در حالی که در کنار درب اتاق ایستاده بودم. دل شکسته شدم و گریستم و برای دخترم دعا کردم.

شکسته بند- به قصد بستن دست دخترم از اتاق بیرون آمد- و دست دخترم را گرفت تا آن را معالجه نماید.

ناگهان به من گفت: چیزی از آثار شکستگی در دست دختر نمی بینم.

و پس از دیدن دست دیگر دخترم دوباره گفت: چیزی از آثار شکستگی در دست دخترت نمی بینم.

آنگاه من نزد امام صادق علیه السلام رفتم و جریان را برای ایشان بازگو نمودم.

در این هنگام امام صادق علیه السلام به من فرمود:- ای ابا حمزه- دعای تو با رضای الهی قرین گشت. و آن دعا- در کمتر از چشم برهم زدنی- به اجابت رسید[۱۱].

منصور دوانیقی خلیفه ستمگر بنی عباس یکی از نواده های امام مجتبی علیه السلام را که داود نام داشت. بدون هیچ تقصیر و گناهی دستگیر نمود.

و او را با غل و زنجیر از شهر مدینه به عراق برد. و در آنجا زندانی کرد.

مادر داود می گوید: فرزندم مدتی زندانی بود و من از او هیچ خبری نداشتم.

و هنگامی که از احوال او جويا می گشتم.

عده ای به من می گفتند: که او کشته شده است.

و عده ای دیگر می گفتند: که او را- مانند دیگر فرزندان امام مجتبی علیه السلام- در لابلای ستونها زنده بگور نموده اند.

و من به همین خاطر نگران حال فرزندم بودم.

و به درگاه خدای عزّ وجلّ دعا نموده و تضرّع و استغاثه می کردم.

و رهایی فرزندم را از خداوند متعال طلب می نمودم.

و از اهل ایمان نیز درخواست می کردم که برای خلاصی فرزندم دعا کنند.

تا بتوانم قبل از آنکه بمیرم فرزندم را ببینم.

عن إبراهيم بن عبید الله بن العلاء قال: حدّثنی فاطمة بنت عبد الله بن إبراهيم بن الحسين قالت: لما قتل أبو الدوانیق. عبد الله بن حسن- بعد قتل ابنیه محمّد و إبراهيم-

حمل ابنی- داود-* من المدینة مکتباً بالحديد- مع بنی عمّه الحسینین- إلى العراق.

فغاب عتی حیناً. و كان هناك مسجوناً. فانقطع خبره. و أعمى أثره.

و كنت أدعو الله و أتضرّع إليه. و أسأله خلاصه.

و أستعین بإخوانی من الزّهّاد و العتّاد و أهل الجّد و الإجتهد.

* و هو حفيد الإمام المجتبی علیه السلام. إسم والده: حسن. و إسم جدّه- أيضاً- حسن علیه السلام.



آن مؤمنین نیز در این مورد کوتاهی نکرده و برای رهایی فرزندم دعا می کردند.

مدتی بر این منوال گذشت.

غم من از دوری فرزندم بیشتر شد. و ناراحتیم افزون گشت.

و روز به روز دل تنگتر می شدم. به حدی که از آمدن او ناامید گشتم.

روزی به نزد امام صادق علیه السلام رفتم.

و بخاطر کسالتی که آن حضرت علیه السلام داشت از ایشان عیادت نمودم.

و هنگامی که خواستم از نزد ایشان مرخص گردم.

آن حضرت از احوال فرزندم داود از من جویا شدند؟

هنگامی که امام صادق علیه السلام از احوال فرزندم سؤال کردند. من گریستم.

و به امام صادق علیه السلام گفتم: ای مولای من- از داود هیچ خبری ندارم.

و نگران حال او هستم.

و أسألهم أن يدعوا الله لي أن يجمع بيني و بين ولدي- قبل موتي-

فكانوا يفعلون. و لا يقضرون في ذلك.

و كان يصل إلى أنه قد قتل.

و يقول قوم: لا. قد بُني عليه اسطوانة مع بني عمه.

فتعظم مصيبتی. و اشتد حزنی.

و لا أرى لدعائي إجابة. و لا لمسألتی نجحاً.

فضاق- بذلك- ذرعی.

و كبر سئى. و رق عظمى.

و صرت إلى حدّ اليأس- من ولدي- لضعفى و انقضاء عمرى.

مدت زیادی است که از من دور شده. و او در عراق زندانی می باشد.

و با این کهولت سئى که دارم امیدى ندارم که قبل از مرگم او را ببینم.

من اشتیاق زیادی به دیدار فرزندم دارم. و برای او دل نگران هستم.

از شما می خواهم که برای خلاصی او [دعا](#) کنید.

زیرا او برادر رضاعی شماست. و هر دوی شما- در نوزادی- هم شیر بوده اید.

در این هنگام امام صادق علیه السلام به مادر داود فرمود:

- ای مادر داود- چرا دعای استفتاح را نمی خوانی؟

زیرا استجابیت این دعا تضمین شده است.

و آن دعا. دعائی است که زود به اجابت می رسد.

و آن دعا. دعائی است که خدای متعال درهای آسمان را برای آن می گشاید.

و ملائکه با آن دعا روبرو می شوند. و بشارت اجابت آن را می دهند.

و خدای متعال بهشت را به شخصی که این دعا را بخواند. کرامت می فرماید.

قالت: ثمّ إنّي دخلت على أبي عبد الله جعفر بن محمّد عليهما السلام- و كان عليلاً-

فلما سألته عن حاله و دعوت له. و هممت بالإنصراف.

قال عليه السلام لي:- يا أمّ داود- ما الذی بلغك عن داود؟

- و كنت قد أُرضعت جعفر بن محمّد عليهما السلام بلبنه-

فلما ذكره- لي- بكيت.



و قلت له:- جعلت فداك- أين داود؟ داود محتبس بالعراق. و قد انقطع عني خبره.

و بنست من الاجتماع معه. و ائني لشديدة الشوق إليه. و التلطف عليه.

و أنا أسألك الدعاء له. فإنه أخوك من الرضاعة.

در این هنگام مادر داود به امام صادق علیه السلام گفت:- ای فرزند پاکان و راستگویان- چگونه می توانم به این دعا دسترسی پیدا کنم؟ و به آن آگاهی یابم؟

در این هنگام امام صادق علیه السلام به این مضمون به مادر داود فرمود:- ای مادر داود- حلول ماه رجب نزدیک است.

و این ماه. ماه مبارکی است که حرمت زیادی دارد.

و دعا در این ماه. مستجاب می گردد.

بر تو لازم است که سه روز از این ماه را روزه بگیری.

- روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم-.

قالت: فقال لي أبو عبدالله عليه السلام:- يا أم داود- فأين أنت عن دعاء الإستفتاح. و الإجابة و النجاح؟

و هو الدعاء* الذي يفتح الله عز وجل له أبواب السماء. و تلتقي الملائكة. و تبشّر بالإجابة.

و هو الدعاء المستجاب الذي لا يحجب عن الله عز و جل.

و لا لصاحبه- عند الله تبارك و تعالی- ثواب دون الجنة.

قالت: قلت: و كيف لي به- يا ابن الأطهار الصادقين-؟

قال عليه السلام:- يا أم داود- فقد دنا هذا الشهر الحرام- يربد عليه السلام شهر رجب-

و هو شهر مبارك عظيم الحرمه. مسموع الدعاء فيه.

ف صومي منه ثلاثة أيام. الثالث عشر. و الرابع عشر. و الخامس عشر. و هي الأيام البيض.

ثم اغتسلي في يوم النصف منه عند زوال الشمس.

* في إقبال الأعمال هكذا: و هو الدعاء الذي تفتح له أبواب السماء.

و يلقي صاحبه الإجابة- من ساعته-

و ليس لصاحبه عند الله تعالى جزاء إلا الجنة.

سپس در روز پانزدهم- هنگام ظهر وقت زوال خورشید- غسل نمائی.

و هشت رکعت نماز بخوانی- چهار نماز دو رکعتی-

و باید که رکوع و سجود و قنوت آنها را با خوبی انجام دهی.

در رکعت اول سوره: حمد.

و سپس سوره: قل یا ایها الکافرون. را بخوان.

و در رکعت دوم. سوره: حمد.

و سپس سوره: قل هو الله أحد. را بخوان.

و در باقی شش رکعت- بعد از حمد- هر سوره ای را که مایل هستی بخوان.

سپس نماز ظهر را بجای آور.

و پس از نماز ظهر- بار دیگر- آن هشت رکعت را تکرار کن.

و باید رکوع و سجود و قنوت آنها را بخوبی انجام دهی.

و لازم است که- در هنگام نماز- پاکیزه ترین لباسها را بپوشی.

و صلی الزوال- ثمان رکعات- ترسلین فیهنّ. و تحسین رکوعهن و سجودهن و قنوتهن.

تقرأین- فی الركعة الاولى:- بفاتحة الكتاب. و قل یا ایها الکافرون.

و فی الثانية: قل هو الله أحد.

و فی الست البواقی: من السور القصار- ما أحببت-

ثم تصلین الظهر. و ترکعین- بعد الظهر- ثمان رکعات.

تحسین رکوعهنّ و سجودهنّ و قنوتهنّ [۱۲].

و پس از انجام این نماز- در حالی که رو به قبله هستی- سوره حمد را صد بار بخوان.

و سوره قل هو الله أحد. را صد بار بخوان.

و آیه الكرسي. را ده بار بخوان.

سپس سوره انعام. و بنی اسرائیل. و كهف. و لقمان. و یاسین. و صافات. و فصلت.

و شوری. و دخان. و فتح. و واقعه. و ملک. و قلم. و انشقاق.

و بقیه سوره ها را تا آخر قرآن بخوان [۱۳]:



بي نوشت ها:

[۱] قال رسول الله صلى الله عليه و آله: ثلاث دعوات مستجابات- لا شك فيهنّ:- دعوة المظلوم. و دعوة المسافر. و دعوة الوالد لولده(النوادر للسيد فضل الله الراوندى- عليه الرحمة- ص ۹۳).

(راجع: مشکاة الأنوار ج ۱ ص ۳۶۵ و مكارم الأخلاق ج ۲ ص ۲۰).

[۲] قال الإمام الصادق عليه السلام: ثلاث دعوات لا يحجب عن الله تعالى:

دعاء الوالد لولده- إذا برّه-. و(دعوته)* عليه- إذا عقهّ-. و

دعاء المظلوم على ظالمه. و دعاؤه لمن انتصر له منه.

و رجل مؤمن دعا لأخ له مؤمن. و اساه فينا.

و دعاؤه عليه. إذا لم يواسه- مع القدرة عليه و اضطرار أخيه إليه- (الأمل للشيخ الطوسي- عليه الرحمة- ص ۲۸۰ المجلس ۱۰ و عدّة الداعي ص ۱۳۳ و تنبيه الخواطر ج ۲ ص ۱۷۱).

* ما بين القوسين لم يذكر في عدّه الداعي.

فى عدّة الداعي و تنبيه الخواطر هكذا: دعا لأخيه المؤمن إذا واساه فينا.

من يستجاب دعاؤه- و هو:- الوالد لولده- إذا برّه-. و عليه- إذا عقهّ-.

و كذا الوالدة... (المصباح للشيخ الكفعمي- عليه الرحمة- ص ۹۹۴).

[۳] قال رسول الله صلى الله عليه و آله: أربعة لا تردّ لهم دعوة. و تفتح* لها أبواب السماء. و تصير إلى العرش: دعاء الوالد لولده.

و المظلوم على من ظلمه.

و المعتمر حتّى يرجع.

و الصائم حتّى يفطر(جامع الأخبار ص ۴۳۶ و فضائل الأشهر الثلاثة ص ۱۱۱ و ص ۸۶ و الأمل للشيخ الصدوق- عليه الرحمة- ص ۳۳۷ المجلس ۴۵).

* فى ص ۸۶ من فضائل الأشهر الثلاثة هكذا: و يفتح لهم أبواب السماء.

قال رسول الله صلى الله عليه و آله: أربعة لا تردّ لهم دعوة. حتّى يفتح لها أبواب السماء. و تصعد إلى العرش: دعوة الوالد لولده.

و المظلوم على من ظلمه.

و المعتمر حتّى يرجع.

و الصائم حتّى يفطر(من لا يحضره الفقيه ج ۲ ص ۱۴۶).

قال رسول الله صلى الله عليه و آله: أربعة لا تردّ لهم دعوة. حتّى تفتح لهم أبواب السماء. و تصير إلى العرش: الوالد لولده.

و المظلوم على من ظلمه.

و المعتمر حتّى يرجع.

و الصائم حتّى يفطر(الكافي ج ۲ ص ۵۱۰ و عوالى اللئالى ج ۴ ص ۲۱).

[۴] قال الإمام الصادق عليه السلام: أربعة لا تردّ لهم دعوة: الإمام العادل لرعيته.

و الأخ لأخيه- بظهر الغيب-. يوكل* الله به ملكاً يقول له: و لك مثل ما دعوت لأخيك.

و الوالد لولده.

و المظلوم.

يقول الربّ عزّ وجلّ: و عزّتى و جلالى لأنتقمّن لك- و لو بعد حين-(الأمل للشيخ الطوسي- عليه الرحمة- ص ۱۵۰ المجلس ۵ و مصادقة الإخوان ص ۷۷).

* فى مصادقة الإخوان هكذا: يوكل به ملك. يقول.

قال رسول الله صلى الله عليه و آله: أربعة لا تردّ لهم دعوة: إمام عادل. و والد لولده.

و الرجل يدعو لأخيه- بظهر الغيب-.

و المظلوم.

يقول الله عزّ وجلّ: و عزّتى و جلالى لأنتصرّن لك- و لو بعد حين-(من لا يحضره الفقيه ج ۴ ص ۲۵۵ و الخصال ص ۱۹۷ و مكارم الأخلاق ج ۲ ص ۳۲۰).

(راجع: روضة الواعظين ج ۲ ص ۱۵۲).

[۵] قال رسول الله صلى الله عليه و آله: أربع دعوات لا يحجب عن الله تعالى: دعاء الوالد لولده.

و الأخ- لظهر الغيب- لأخيه. و المظلوم. و المخلص (مهج الدعوات ص ۲۲۱).

[۶] قال أميرالمؤمنين عليه السلام: أربعة لا تردّ لهم دعوة:

الإمام العادل لرعيته.

و الوالد البار لولده.

و الولد البار لوالده.

و المظلوم.

يقول الله عزّ اسمه:- و عزّتى و جلالى- لأنتصرّن لك- و لو بعد حين-(الإرشاد للشيخ المفيد- عليه الرحمة- ج ۱ ص ۳۰۴).

[۷] قال الإمام الصادق عليه السلام: كان أبى عليه السلام يقول:

خمس دعوات لا يحجب عن الربّ تبارك وتعالى:

دعوة الإمام المقسط.

و دعوة المظلوم.

يقول الله عزّ وجلّ: لأنتقمّن لك- و لو بعد حين-.